

The role of the Martens clause in limiting the use of new automatic weapons

Meysam Gharaei¹, Heybatollah Najandi Manesh²✉, Mohammad Reza Alipour³

Abstract

Field and Aims: "Marten's clause" which has manifested and its many effects in the field of humanitarian rights sources, especially in the common article 3, according to the essential elements included in this declaration, that is, "the principles of humanity and the rules of collective conscience", today It has a special place in the construction and formation of the rules of customary international law. The issue of the rule gap in the production and use of new automatic weapons is one of the main human rights challenges for all governments. The Islamic Republic of Iran, as one of the countries It is advanced in the production of new automatic weapons, which, of course, has always adhered to the general principles of humanitarian law and has regulated some cases in this field in terms of legal and jurisprudence, but due to the superiority of the rules of customary international law over domestic laws, the issue of legislation in This field has a vacuum and needs to be revised in the internal laws. In this research, which is carried out by analytical-descriptive method, we are trying to answer this basic question, what is the role of "Marten's clause" in limiting the use of this challenge to make the rule.

Method: This article is written in a descriptive-analytical way.

Finding and Conclusion: According to the numerous works affected by the "Martens clause", the results indicate that governments can consider the principles of this declaration as a mechanism for creating rules in customary international law, because until reaching The international community has a common goal to create a universally binding customary rule, the issue of belief in the legal obligation to the general principles of humanitarian rights, must first be formed in the belief of the governments.

Keywords: principles of humanity, Opinion juris, customary international law, new automatic weapons, Marten's clause.

*Citation (APA): Gharaei, M.; Najandi Manesh, H.; Alipour, M. (2024). The role of the Martens clause in limiting the use of new automatic weapons. *International Legal Research*, 17(63), 23-44.

1. PhD candidate in Public International Law, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: m.gharaei110@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran. (Author).
Email: hnajandimanesh@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: m_alipour@srbiau.ac.ir

نقش شرط مارتنس در تحدید بکارگیری تسلیحات جدید خودکار

میثم قارایی^۱، هیبت الله نژندی منش^۲✉، محمدرضا علی پور^۳

چکیده

زمینه و هدف: «شرط مارتنس» که تجلی و آثار متعدد آن در حوزه منابع حقوق بشردوستانه، به ویژه در ماده ۳ مشترک بروز و ظهور نموده، به حسب عناصر مُقَوِّم مندرج در این اعلامیه، یعنی «اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی»، امروزه از جایگاه خاصی در ساخت و شکل گیری قواعد حقوق بین الملل عرفی برخوردار است. موضوع خلأ قاعده در تولید و استفاده از تسلیحات جدید خودکار یکی از چالش های اصلی حقوق بشری برای همه دولت ها می باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای پیشرفته در تولید تسلیحات جدید خودکار می باشد که البته، همواره به اصول کلی حقوق بشردوستانه پایبند بوده و مواردی را در این حوزه به لحاظ قانونی و فقهی قاعده سازی نموده است؛ لیکن، به دلیل برتری قواعد حقوق بین الملل عرفی نسبت به قوانین داخلی، موضوع قانونگذاری در این زمینه دچار خلأ بوده و نیازمند بازنگری در قوانین داخلی می باشد. در این پژوهش که به روش تحلیلی- توصیفی صورت می گیرد، درصدد پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که «شرط مارتنس» در قبال تحدید بکارگیری این چالش برای ساخت قاعده چه نقشی دارد؟

روش: این مقاله به شیوه توصیفی- تحلیلی نگارش یافته است.

یافته ها و نتایج: با توجه به آثار متعدد متأثر از «شرط مارتنس»، نتایج حاکی از آن است که دولت ها می توانند اصول این اعلامیه را به عنوان سازوکاری برای خلق قاعده در حقوق بین الملل عرفی قلمداد نمایند؛ چرا که تارسیدن جامعه جهانی به یک هدف مشترک برای ایجاد قاعده عرفی الزام آور عام الشمول، موضوع باور الزام حقوقی به اصول کلی حقوق بشردوستانه، ابتدا باید در باور دولت ها شکل بگیرد.

کلیدواژه ها: اصول انسانیت، احکام وجدان جمعی، حقوق بین الملل عرفی، تسلیحات جدید خودکار، شرط مارتنس.

* استناددهی (APA): قارایی، میثم؛ نژندی منش، هیبت الله؛ علی پور، محمدرضا. (۱۴۰۳). نقش شرط مارتنس در تحدید بکارگیری تسلیحات جدید خودکار. *تحقیقات حقوقی بین المللی*، ۱۷(۶۳)، ۲۳-۴۴.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: m.gharaei110@gmail.com
۲. استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: hnajandimanesh@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: m_alipour@srbiau.ac.ir

مقدمه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه به طور خاص از بدو تکوین تاکنون و در گذر از نظریات متفاوت و کارکردهای گوناگون، تحولات بسیاری را به خود دیده است. همچنین، مسئله منابع در رشته‌های حقوقی مزبور همواره از موضوعاتی بوده است که بخصوص در خلال یک‌صد سال گذشته دائماً دچار توسعه و تحولات بسیاری شده است. از یک سو، عرف بین‌المللی موجود درباره بسیاری از موضوعات دچار تغییرات کلی و جزئی شده و همچنین، در بسیاری از موارد که قواعد حقوقی و عرفی چندانی وجود نداشته، با ایجاد رویه‌های مستمر میان دولت‌ها که اصلی‌ترین بازیگران حقوق بین‌الملل هستند، عرف‌های جدید شکل گرفته است. یکی از این ابداعات نوآورانه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه که بعداً دستخوش تحولات شگرفی گردید و روند شناسایی قواعد عرفی را متحول ساخت، تدوین و تصویب اعلامیه «شرط مارتنس»^۱ در جامعه بین‌المللی بود که بر مبنای آن در قلمرو حقوق بشردوستانه در ابتدای امر، موضوع لاینحل حمایت‌های افراد غیر نظامی، اسرای جنگی و سایر اشخاص در زمان مخاصمه نیز مسائل شکلی و ماهوی که محل اختلاف بسیاری از دولت‌ها بوده است را حل نمود (طرحی، ۱۳۹۸: ۳۵) و سپس، به تدریج با توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و تعدد کاربرد آن و نیز تفاسیر و نظرات مختلف، اذهان را به سمتی سوق داد که با وجود چنین تحولی در ساخت قاعده عرفی و مبنا قرار دادن اصول مندرج در شرط مارتنس، یعنی اصول انسانیت^۲ و احکام وجدان جمعی^۳، نمی‌توان هیچ‌کدام را به عنوان عذری برای انجام اقدامات مخالف با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه که از عرف (اصول بشریت و احکام وجدان جمعی) سرچشمه گرفته شده باشد را از دولت‌ها پذیرفت. با این حال، یکی از چالش‌های پیش روی جامعه بشری که تاکنون در حقوق بین‌الملل بشردوستانه قاعده‌مند نشده، موضوع خلأ قاعده در تولید و استفاده از تسلیحات جدید خودکار است. در این پژوهش که به روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفت، درصدد پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که «شرط مارتنس» در قبال تحدید بکارگیری این چالش در حقوق بین‌الملل و در حقوق داخلی چه نقشی دارد و یا می‌تواند داشته باشد؟

مفهوم‌شناسی شرط مارتنس

به موجب این شرط «تا هنگامی که مجموعه کامل تری از قواعد ناظر بر جنگ تدوین و تصویب نگردیده است، طرفین معظم در خصوص اعلام این مهم موافقت می‌نمایند در مواردی که تحت شمول مقررات مصوب قرار نمی‌گیرد، غیرنظامیان و نظامیان تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل منبث از رویه تثبیت‌شده میان ملل متمدن، اصول انسانیت و احکام وجدان

1 Marten's clause

2 laws of humanity

3 requirements of the public conscience



جمعی باقی خواهند ماند»^۱ امروزه، شرط مارتنس نسبت به کل قلمرو حقوق بشردوستانه قابل اعمال است و این امر به اشکال مختلف در غالب اسناد مربوطه تأیید و تصدیق شده است (زر نشان، ۱۳۹۷:۳۲۲).

بررسی محتوایی اصول مندرج در شرط مارتنس

با عنایت به طیف وسیعی از تفاسیر گوناگون پیرامون شرط که برخی به تفسیر حداقلی و مضیق و برخی بسیار موسع آن قائل هستند، در نخستین گام باید کاربرد شرط مارتنس و البته، اجزا آن را در محاکم بین‌المللی، رویه‌های قضایی و نظرات حقوقدانان ملاحظه و مورد مذاقه قرار داد. شرط مارتنس دارای سه عنصر اصلی است: اصول حقوق بین‌الملل (ملت‌ها)، اصول بشریت و احکام وجدان جمعی. آنچه که در بین این اصول حائز اهمیت است و تفاسیر مختلفی از آن به میان آمده، دو شرط اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی است؛ چرا که اصول ملت‌ها برآمده از عرف رایج بین ملت‌هاست. البته، این مفاهیم، به صورت مفهومی در ادبیات حقوق بین‌الملل، گنگ و مبهم می‌باشد و در هیچ سند الزام‌آوری که مبین روشن شدن مفهومی دقیق باشد، وجود ندارد و نیازمند تحلیل بیشتر می‌باشد.

۱- اصول انسانیت

نخستین جزء شرط «اصول انسانیت» است که اساساً، نمی‌توان آن را مجزا از ملاحظات اولیه انسانی دانست؛ مفهومی که برای مدت‌ها مورد توجه قضات، داوران و سایر اندیشمندان بوده و همواره برای اعطاء معنایی مشخص به آن تلاش گردیده و به طور خاص، در حیطه تعهدات دولت‌ها مطرح شده است (مرون^۲، ۲۰۰۰: ۸۲). واژه بشریت به طور کلی دارای تعاریف گوناگونی است، ولی آنچه که در بین اساتید اهل فن به آن اشاره شده، منظور از بشریت، توده‌ای انبوه از انسان‌ها که از استخوان و ریشه سرشته شده باشند، نیست؛ بلکه، همان ارزش‌های متعالی است که در تمام نظام‌های فکری و رفتاری به آن اعتبار داده شده است (فلسفی، ۱۳۷۹: ۴۰۳). در چارچوب نظری هم می‌توان بشریت را سرآمد مفاهیمی دانست که مدافعان حقوق طبیعی جدید از آن تحت عناوین و قالب‌های حقوقی مختلف بهره می‌گیرند تا بتوانند با عبور از اراده‌گرایی و پوزیتیویسم حقوقی، از چارچوب مضیق جزم‌گرایی حقوق خارج شوند و به ورای صرف دولت‌ها عزیمت کنند (تاور، ترجمه بیگ زاده، ۱۳۹۶: ۹). از منظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو بیان داشت که: تعهدات دولت آلبانی بر اساس کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ که تنها در شرایط مخاصمه قابل اعمال

1. Until a more complete code of the law is issued, High Contracting Parties think it right to declare that in cases not included in the Regulations adopted by them, populations and belligerents remain under the protection and empire of the principles of international law, as they result from the usages established between civilized nations, from the laws of humanity, and the requirements of the public conscience.

2. Meron

است، به این دولت قابل انتساب نبوده، بلکه از برخی اصول خاص شناخته شده ناشی می‌گردد که «ملاحظات اولیه انسانی» نامیده می‌شوند که چه در شرایط مخاصمه و چه در زمان صلح قابل اعمال هستند.^۱ همچنین، دیوان در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه در رأی خود به سال ۱۹۸۶ عنوان داشت که: «رفتار دولت ایالات متحده آمریکا را می‌توان بر اساس اصول اساسی حقوق بشر دوستانه مورد قضاوت قرار داد و همچنین، قواعد خاصی که در ماده ۳ مشترک مورد اشاره قرار گرفته‌اند، نوعی معیار حداقلی را به منظور ارزیابی اعمال آن دولت فراهم می‌سازند؛ به علاوه، اصول دیگری را در این رابطه می‌توان مطمح نظر قرار داد که دیوان آن‌ها را پیش‌تر در قضیه کانال کورفو «ملاحظات اولیه انسانی» نامیده است.»^۲

۲- احکام وجدان جمعی

دومین جز شرط مارتنس نیز «احکام وجدان جمعی» است که به ارزش‌های مشترک در میان همه انسان‌ها و از ارزش‌های عرفی همه تمدن‌های بشری از آن یاد می‌شود. وجدان جمعی همچنین می‌تواند همچون اصولی در نظر گرفته شود که بطور گسترده‌ای به عنوان ترقی در منافع مشترک جهانی که محدود به حقوق فردی نیست، شناخته شده است (دهقانی، ۱۴۰۰: ۲۹۷). وجدان جمعی در کنار هم قرار دادن داورهایی است که انسان‌ها بر اساس وجدان فردی خود انجام می‌دهند و ملاک و معیار رفتارهای بین‌المللی، انطباق و یا تعارض با آن است (حسینی و راعی، ۱۳۹۵: ۴۵۸ و ۴۴۶). به‌طور کلی، می‌توان آن را از دو منظور مورد توجه قرار داد: نخست آنکه ممکن است آنها را بازنمای نظر عموم دانست که رفتار طرفین مخاصمه را شکل داده و موجب توسعه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه می‌گردد؛ دوم آنکه به موجب دیدگاهی دیگر می‌توان احکام وجدان جمعی را به مثابه انعکاس اعتقاد به الزام حقوقی^۳ مورد توجه قرار داد که اصلی‌ترین مؤلفه احراز عرف بین‌المللی مدرن است؛ همچنین، از دیرباز در دستورالعمل نظامی بسیاری از کشورها نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال، در قرن نوزدهم، دستورالعمل نظامی تدوین شده برای ارتش اسپانیا^۴ مقرر داشته بود که قواعد ناظر بر جنگ و حقوق ملت‌ها ریشه در عقاید اصیل و استوار انسانی، عدالت و حسن‌نیت دارند و تبعیت ارتش از آن قواعد به صلاح خود ارتش و سایر تابعان خواهد بود. در همین راستا، دستورالعمل مزبور به «وجدان جمعی» نوعی قدرت قاعده‌سازی اعطا کرد که به موجب آن، مفهوم اخیر توانایی ایجاد قاعده در حیطه مخاصمات و همچنین، تعیین مجازات برای موارد نقض نظم عمومی را داراست. همین مسئله در دستورالعمل‌های نظامی حال حاضر نیز به چشم می‌خورد؛ به‌عنوان نمونه، دستورالعمل نظامی ارتش بریتانیا به نحوی مشابه بر

1. Corfu Channel case (UK v. Albania), Merits, 1949, ICJ Rep 4, p. 22.

2. Military and Paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. U.S.), Merits, 1985 ICJ Rep. 14,113-114, para 218.

3. Opinion juris

4. Reglamento para el servicio de campana



اهمیت «احکام وجدان جمعی» و آراء عمومی تأکید می‌ورزد. به موجب این دستورالعمل، هیچ دولتی نمی‌تواند بطور کلی خود را از قیود آراء عمومی و جهانی مبری بداند (طرحی، ۱۳۹۸: ۳۸). در نتیجه، اصول بشریت مندرج در شرط مارتنس، همان ملاحظات اولیه انسانی و یا همان ملاحظات بشردوستانه است که در همه وقت، چه در زمان صلح و چه در زمان مخاصمه، قابل اعمال است و آن متشکل از سه عنصر است: «۱- حق طرفین برای انتخاب وسایل و روش‌های جنگی نامحدود نیست. ۲- باید بین اشخاصی که در عملیات نظامی مشارکت دارند و اشخاصی که به جمعیت غیرنظامی تعلق دارند، تفکیک قائل شد و تا سرحد امکان باید آنها را از صحنه مخاصمه نجات داد. ۳- در آخر اینکه شروع حمله به جمعیت غیرنظامی ممنوع است.»

این اصول در حال حاضر جزئی از ارزش‌های اساسی، بنیادین و مشترک جامعه جهانی می‌باشند و دولتی که به این ارزش‌ها بی‌توجه باشد و یا باوری به وجود آنها نداشته باشد، بی‌شک نمی‌تواند جایگاهی در جامعه بین‌المللی امروز داشته باشد و احکام وجدان جمعی به‌مثابه همان اعتقاد به الزام حقوقی دولتها قلمداد می‌شود. امروزه، نظام کنونی حقوق بین‌الملل بشردوستانه تحت تأثیر برخی تحولات ناشی از رشد و گسترش مفاهیم انسانی و ملاحظات اولیه بشری قرار دارد و به وضوح روح شرط مارتنس در معاهدات، آراء قضایی، محاکم مختلف و رویه‌های قضایی و حتی در قوانین داخلی دولتها نیز دیده می‌شود. این موضوع البته، ریشه در اندیشه مکتب حقوق طبیعی دارد و توانسته پا جای اراده دولتها در فرآیند خلق قواعد حقوق بین‌الملل موضوعه بگذارد و حقیقتاً، تحولی نوین را در روند شکل‌گیری و سپس، شناسایی قاعده عرفی بوجود آورده است. تحولی که ریشه آن در شرط مارتنس بوده و تبلور و انعکاس آن ابتدا در شناسایی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیکاراگوئه ۱۹۸۶ گواهی بر این مدعا بوده است که دیوان بین‌المللی دادگستری در روند شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی از ملاحظه رویه دولتها در وهله اول - که همواره عنصر کلیدی در فرایند ساخت و پرداخت قواعد حقوق عرفی بوده است - صرف نظر کرده و در این روند برای اعتقاد حقوقی دولتها نقش محوری غالب قائل شده است.

در این چارچوب، اعتقاد حقوقی دولتها نه از رویه آنان، بلکه منبعث از اصول مندرج در شرط مارتنس، یعنی اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی است. به دیگر سخن، اعتقادی که نه در چارچوب اراده دولتها و منافع ملی آنها، بلکه تحت تأثیر غالب اصول و اندیشه‌های آرمانی و ارزشی حقوق طبیعی شکل می‌گیرد. بطور کلی معمولاً، نقش شرط مارتنس بعنوان منبع ماهوی بر عرف بعنوان یک منبع شکلی مورد توجه قرار می‌گیرد و در این عرصه، شناسایی و احراز اعتقاد حقوقی دولتها نیازی به وجود رویه‌های مقدم و تجربه‌های پیشینی ندارد، بلکه اعتقاد حقوقی (نسبت به الزام آور بودن قاعده‌ای خاص) - براساس همان اصول انسانیت و احکام

وجدان جمعی که بی‌شک مورد قبول و پذیرش تمام اعضای جامعه بین‌المللی است - فرض گرفته شده و سپس، پیروی از آن در رویه دولت‌ها بررسی می‌شود. در همین راستا، تئودور مرون^۱ هم تصدیق کرده است که «شرط مارتنس گرایشی را تقویت می‌کند که بر اساس آن در فرآیند شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، در وهله اول، احکام وجدان جمعی به عنوان مبنا مدنظر قرار گیرد تا رویه دولت‌ها» (مرون، منبع پیشین: ۸۸). همچنین، به همین ترتیب بوده است، دیدگاه آنتونیو کاسسه^۲ در رابطه با قید مذکور که وی معتقد بوده «عناصر مادی و معنوی به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده عرف در یک شاخه خاص از حقوق بین‌الملل، یعنی حقوق بشردوستانه در درگیری‌های مسلحانه، نقش متفاوتی را ایفاء می‌نمایند. این امر بدلیل شرط معروف مارتنس است (کاسسه^۳، ۲۰۰۴: ۲۱۴). به نظر کاسسه، اینگونه اثبات شده است که: «برای شکل‌گیری یک اصل یا قاعده مبتنی بر قواعد انسانیت یا احکام وجدان جمعی، شرط عملکرد دولت لازم نیست یا حداقل این الزام نباید در مورد اصول و قواعدی که از شالوده و منطق متفاوت (انسانی) برخوردارند، آنقدر دارای اهمیت باشد. به عبارت دیگر، زمانی که مشخص شود یک اصل یا قاعده کلی ناظر بر قواعد انسانیت (احکام وجدان جمعی) است، در نتیجه تأثیر شرط مارتنس در حقوق بین‌الملل تکوین یافته است.» (منبع پیشین: ۱۲۱). در واقع، از طریق ماده ۳ مشترک بود که ورود حقوق بشردوستانه به نظام حقوقی داخلی دولت‌ها ممکن شد و به این ترتیب، شکاف عمیق بر دیوار سخت و سنگین حاکمیت دولت وارد کرد.^۴ در نتیجه اینکه شناسایی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه نقطه عطفی بود در فرآیند شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی. تصویب ماده ۳ مشترک را در حقیقت باید «تحویلی بنیادی» در حمایت از انسان به هنگام این نوع مخاصمات دانست. ترتیبات این ماده هر اندازه که محدود و کم‌شمار باشد، رخنه‌ای بی‌سابقه در سد نفوذناپذیر صلاحیت انحصاری دولت‌ها در این زمینه ایجاد کرد. پس، بی‌راه نیست که ماده ۳ مشترک را «تحویلی انقلابی» یا بهتر از آن، «انقلاب حقوقی واقعی» توصیف کنند؛ زیرا دولت‌ها پذیرفتند که از آن پس، اگر گروهی از مردم از فرمان حکومت سر پیچیدند و بر ضد آن شوریدند، حقوق بین‌الملل بر این رابطه و نزاع مسلحانه حاکم باشد.

تأثیر و انعکاس شرط مارتنس در منابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه

1. Theodor Meron
2. Antonio Cassese
3. casese
4. G. Abi-Saab, *Conflicts armes non internationaux*, in: *Les dismensions internationaux du droit humanitaire*, UNESCO, Pedone, Paris, 1986, p.256.

به نقل از: ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، منبع پیشین، صص ۳۹ و ۴۰.



تأثیر شرط مارتنس در حوزه معاهدات، آراء دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی

همانطور که در مطلب قبل بیان شد، شناسایی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه نقطه عطفی در فرآیند شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی بود، ولی آثار آن در منابع دیگر حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل ملاحظه است. بطور کلی، اصل خود شرط در مقدمه کنوانسیون شماره ۲ لاهه در خصوص قوانین و قواعد عرفی جنگ زمینی درج شد^۱ و در کنفرانس دوم صلح لاهه ۱۹۰۷ در بند ۸ مقدمه کنوانسیون شماره ۴ در خصوص جنگ زمینی مجدداً مورد تأکید قرار گرفت.^۲ شرط مذکور در بسیاری از معاهدات حقوق بشردوستانه نیز درج شده است که از آن موارد می‌توان به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در خصوص ممنوعیت گازهای سمی^۳، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ (ماده ۶۳(۴)) کنوانسیون اول ژنو در مورد بهبود شرایط مجروحان و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در میدان جنگ^۴ ماده ۶۲ کنوانسیون دوم ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحان، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا،^۵ ماده ۱۴۲ کنوانسیون سوم راجع به معامله با اسیران جنگی^۶ و ماده ۱۵۸ کنوانسیون راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ^۷ و سپس، مجدد بار عین عبارات شرط مارتنس در پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ در ارتباط با قربانیان مخاصمات مسلحانه (بند ۲ ماده ۱ پروتکل اول و بند چهارم مقدمه پروتکل الحاقی دوم) بیان گردید و در ادامه، در مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۰ ژنو در خصوص ممنوعیت برخی تسلیحات متعارف^۸، مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۰ ژنو در خصوص ممنوعیت جامع مین‌های ضد نفر^۹ و کنوانسیون ۲۰۰۸ در خصوص ممنوعیت بمب‌های خوشه‌ای^{۱۰} در حوزه حقوق

۱. ضمن اینکه در کنار تعریف شرط مارتنس باید به این نکته مهم توجه داشت که فارغ از اینکه چه تفاسیر گوناگونی در مورد ماهیت و اجزاء آن ارائه گردیده، به واسطه تأکید رویه قضایی در دادگاه نونبرگ، عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری، فعالیت‌های نهادها و سازمان‌های مختلف و اسناد متعدد مرتبط با حقوق بشردوستانه، نباید شرط مارتنس را صرفاً محدود به کنفرانس صلح لاهه و موضوع خاص آن دانست؛ بلکه موارد فوق به پذیرش عام و مقبولیت بین‌الملل شرط مارتنس (لااقل با تفسیری مضیق از آن) گواهی می‌دهند.

2. Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 1907, Preamble.

3. Protocol for the Prohibition of the Use of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare. Geneva, 1925.

4. Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, 1949, Art. 63(4).

5. Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, 1949, 75 UNTS 8, Art. 62.

6. Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War, 1949, Art. 142.

7. Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, 1949, Art. 158.

8. Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects, 1980, Preamble.

9. Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on their Destruction, 1997.

10. Convention on Cluster Munitions, 2008.

بشر نیز علاوه بر بند دوم مقدمه اعلامیه جهانی حقوقی بشر^۱ در قطعنامه ۲۳ کنفرانس تهران راجع به حقوق بشر در سال ۱۹۶۸، ذکر نمود.^۲ جدا از این موارد، رویکرد دیوان در رأی مشهور مربوط به مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل ۱۹۹۶ نیز قابل تأمل و ملاحظه است. در چارچوب این رأی و به منظور شناسایی حقوق بشردوستانه قابل استناد در پرونده، دیوان پس از اینکه نتوانست در یابد در عرصه حقوق بین‌الملل منع جامع و جهانشمولی فی‌نفسه در مورد تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد، پاسخ به این پرسش را پیش روی خود قرار داد که آیا توسل به سلاح‌های هسته‌ای را با در نظر گرفتن اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه و حقوق بی‌طرفی می‌توان نامشروع تلقی کرد یا خیر؟ در این زمینه، دیوان ضمن تأیید و تصدیق نظر اکثریت وسیعی از دولت‌ها و همچنین، حقوقدانان دال بر قابل اعمال بودن اصول و قواعد حقوق بشردوستانه حاکم در درگیری‌های مسلحانه در زمینه تهدید یا کاربرد احتمالی سلاح‌های هسته‌ای و در این چارچوب، بررسی اصولی چون تفکیک و منع ایراد درد و رنج غیر ضرور، اذعان می‌دارد: «تصور شرایطی که در آن کاربرد سلاح‌های هسته‌ای حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض نکند، دشوار است؛ به ویژه، در پرتو خصوصیات منحصر به فرد این گونه سلاح‌ها». به زعم دیوان، اصول مذکور متضمن ماهیتی بنیادین‌اند که باید توسط کلیه دولت‌ها اعم از اینکه کنوانسیون‌های دربردارنده آن اصول را تصویب کرده باشند یا خیر، رعایت شوند؛ زیرا آنها اصول غیر قابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی و منعکس‌کننده «ملاحظات اولیه بشری» هستند.^۳

سلاح‌های خودکار مرگبار

سلاح‌های کاملاً خودکار یا روبات‌های خودگردان کشنده،^۴ تسلیحاتی هستند که بدون مداخله انسان به طور کاملاً خودکار اهداف خود را شناسایی و تعقیب می‌کنند و مورد هدف قرار می‌دهند.^۵ این تسلیحات با اتصال به رایانه برنامه‌ریزی شده و با یک بار راه‌اندازی توسط عامل انسانی، به عنوان یک رزمنده، بدون دخالت و نظارت انسان، از طریق برنامه‌های رایانه‌ای و حسگرهای خود به انجام عملیات جنگی می‌پردازند. شایان ذکر است که باید میان تسلیحات کاملاً خودکار و تسلیحاتی که به دوربین مجهزند و از طریق اپراتورها کنترل و هدایت می‌شوند یا تسلیحاتی که به هوش مصنوعی مجهزند، تمایز قائل شد. پیشرفت‌های تسلیحاتی و فنی جنگی از جمله «هوایم‌ای بدون سرنشین»^۶، «پهباد»^۱ روبات شناسایی یا روبات کشف و خنثی‌کننده مین،

1. UN General Assembly, Res.217 A (III), 1948.

2. UN International Conference on Human Rights, Tehran, Iran, 1968.

3. ICJ Reports, 1996: para 79-75..

4. Lethal Autonomous Robots

5. Views of the International Committee of the Red Cross (ICRC) on autonomous weapon system, 11 April 2016

6. The Unmanned Aerial Vehicle



غالباً با هدف افزایش قدرت نظامی و کاهش خطرات مخاصمه برای رزمندگان خودی حاصل می‌شوند.^۲ «روبات نظامی خودفرمان»^۳ نیز مانند سایر ابزارهای جنگی تحت حقوق مخاصمات مسلحانه است و باید قواعد آن را رعایت کند (کارافانو^۴، ۲۰۱۴: ۳). این واقعیت که فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی^۵ بسیار سریع‌تر از حقوق مخاصمات مسلحانه توسعه پیدا کرده است، غیرقابل انکار است. پیشرفت سریع در حوزه هوش مصنوعی در راستای تولید تسلیحات خودکار مرگبار سبب شده تا مانند مخاصمات کاملاً مجازی که در «فضای سایبری»^۶ رخ می‌دهد، ابهاماتی در خصوص قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در رابطه با مشارکت روبات‌ها در جنگ و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها ایجاد شود (گنیس^۷، ۲۰۱۵: ۱۲)؛ برای مثال، هنگامی که روبات نظامی مرتکب «جنایت جنگی»^۸ می‌شود، چه کسی را باید مسئول تلقی کرد؟ یا اینکه آیا روبات نظامی می‌تواند اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه را هنگامی که در مقابل انسان‌ها مبارزه می‌کند، رعایت کند؟ تسلیحات خودکار که نوعی روبات رزمنده محسوب می‌شوند، از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردارند که موجب شده است توجه بیشتر کشورهای جهان به آنها جلب شود و با اختصاص بودجه‌های چشمگیر، تحقیقات برای تولید این سلاح‌ها را آغاز کنند؛ برای مثال، این روبات‌ها گرسنه نمی‌شوند و به آب و غذا نیازی ندارند. از آنجا که فاقد ادراک و شعور انسانی‌اند، بدون هیچ گونه ترس و وحشتی تمام دستورهای محوله را اجرا می‌کنند. مهم‌تر اینکه، واگذاری مأموریت‌های عملیاتی به چنین روبات‌هایی، جان سربازان را حفظ می‌کند و به طور چشمگیری از تلفات احتمالی طرفی که از این نوع تسلیحات استفاده می‌کند، می‌کاهد (شریفی طراز کوهی و صیادنژاد، ۱۳۹۹: ۵۶۲). در مخاصمات مسلحانه کنونی، به نحو گسترده‌ای از روبات استفاده می‌شود؛ بطوری که در حال حاضر، بیش از ۴۳ کشور از برنامه‌های نظامی روباتیک بهره می‌برند. در حال حاضر، دولت‌ها، برای داشتن دست برتر، تمایلی به افشای برنامه‌ها و دستاوردهای خود به خصوص در حوزه فناوری‌های نوین و تسلیحات نوظهور خود ندارند. بنابراین، صحبت کردن در مورد تسلیحاتی که اطلاعات بسیار کمی در مورد آنها داریم و بسیاری از وجوه آنها پنهان است، بسیار سخت است. از سوی دیگر، سنجش خطرهای آنچه هنوز به بلوغ نهایی خود نرسیده است، بسیار مشکل است. تسلیحات خودکار و روبات‌ها، هم در تعداد و هم در کارکردها

1. Drone

2. Crotoof, Rebecca. "War, Responsibility, and Killer Robots," N.C. J. INT'L L. & COM. REG, 2015, vol. XL, p. 920.

به نقل از رنجریان و بذار، (۱۳۹۷)، رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات نظامی خودفرمان و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۹، ص ۶۴.

3. Autonomous Military Robot

4. Carafano

5. Artificial intelligence

6. Cyberspace

7. Gneiss

8. War Crime

و زمینه‌هایی که به کار می‌روند، در حال افزایش هستند (رنجیریان و بذار، ۱۳۹۷: ۶۴). سرمایه‌گذاری روبه‌رشد نظامی در تکنولوژی رباتیک توسط ایالات متحده آمریکا و بیش از چهل دولت دیگر نشان از این دارد که روبات‌ها در حال تبدیل شدن به بخش مهمی از تسلیحات آینده‌اند. ایالات متحده برای کاهش به خطر افتادن جان سربازان خود، جمع‌آوری اطلاعات و حملات مخفیانه^۱ از روبات‌ها استفاده می‌کند. اسرائیل و کره شمالی نیز برای حفظ امنیت ملی و مرزهای خود از روبات‌ها برای گشت‌زنی بهره می‌گیرند. در جنگ بین روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، از روبات‌های کشنده توسط دو کشور استفاده شد. کشور روسیه از مین ضد نفر روسی به نام پی-او-ام-۳ استفاده کرد. این مین‌ها بر اساس طرحی از ورماخت آلمان به نام ماین شرپنل^۲ ساخته شده است.^۳ یک مسابقه تسلیحاتی جهانی هوش مصنوعی مدت‌هاست که در جریان می‌باشد و عموم مردم تاکنون از آن بی‌اطلاع بوده‌اند و این برای بشریت یک زنگ خطر می‌باشد. ارتش ایالات متحده در حال توسعه یک تانک رباتیک به نام اطلس است. نیروی دریایی ایالات متحده در حال کار بر روی یک کشتی جنگی رباتیک کاملاً خودکار به نام «شکارچی دریا»^۴ است که پیش‌تر به طور مستقل سفر خود را از هاوایی به سواحل کالیفرنیا تکمیل کرده است. چین در حال توسعه موشک‌های کنترل‌شده با هوش مصنوعی است. روسیه قصد دارد یک زیردریایی بدون سرنشین به نام «پوزیدون»^۵ را بسازد که حتی قادر است به تسلیحات هسته‌ای مجهز شود. این یک کابوس است. آیا می‌توانید به چیزی وحشتناک‌تر از یک زیردریایی فکر کنید که در آن بجای یک کاپیتان، یک برنامه رایانه‌ای تصمیم می‌گیرد که جنگ هسته‌ای را آغاز کند یا خیر؟^۶ این کار هم‌اکنون توسط کره شمالی به بهره‌برداری رسیده و بنابراین، با توجه به پیشرفت‌هایی که در تکنولوژی تسلیحات در حال رخداد است و سلاح‌هایی که روزبه‌روز به سمت خودمختاری بیشتر پیش می‌روند، به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود در مقایسه با پهپادها که از راه دور کنترل می‌شوند، این نوع از سلاح‌های جدید خودشان مستقلانه و بدون دخالت هیچگونه عامل انسانی

1. Strike Stealthily

2. Schrapnell mine

۳. این مین‌ها رد پا را تشخیص می‌دهد، سپس ابتدا به هوا می‌پرد و پس از آن، در ارتفاع یک متری منفجر می‌شود تا حد امکان با ترکش به سربازان آسیب برساند. روسیه اعلام کرده که این مین ترکش را با استفاده از نرم‌افزار هوش مصنوعی کنترل خواهد کرد که می‌تواند به دقت تشخیص دهد که آیا واحدهای روسی خود در حال نزدیک شدن هستند یا خیر و در صورت نزدیک شدن نیروهای خودی روس منفجر نمی‌شود و تنها در صورت تشخیص نزدیک شدن سربازان دشمن منفجر می‌شود و آنان را از بین می‌برد. چنین مین‌های زمینی‌ای ماهیت حیوانی دارند، چرا که افراد را به صورتی بی‌رویه نابود می‌کنند و اغلب به کودکان ضربه وارد می‌سازند. به همین دلیل است که این نوع از مین‌ها در سطح بین‌المللی غیرقانونی محسوب می‌شوند.

4. Sea Hunter

5. Poseidon

۶. برای مطالعه بیشتر به سایت مراجعه شود.

<https://www.kebnews.ir/report/۴۵۱۲۲۱>



می‌توانند در میادین جنگی فعال باشند. این همان نگرانی است که در صورت لجام‌گسیختگی و عدم ضابطه‌مندی و قانون‌مند شدن تسلیحات نوین، موجب هرج‌ومرج در جامعه خواهد شد و چه بسا با توجه به پیشرفت روزافزون در عرصه هوش مصنوعی و تولید انواع پهپاد و جنگ‌افزارهای نوین خودکار، جنگ جهانی سوم به واسطه همین ابزارها شکل بگیرد؛ جنگی که دامنه وسعت آن نامعلوم و نتیجه‌ای جز ویرانی برای بشریت نخواهد داشت.

مشروعیت کاربرد نظامی تسلیحات نوین خودکار در مخاصمات مسلحانه

در حال حاضر، در رابطه با قانونی‌بودن کاربرد تسلیحات خودکار مرگبار نظامی در مخاصمات مسلحانه باید گفت که این بحث تنها در خصوص «روبات خودفرمان‌کشنده»^۱ مطرح می‌شود (آلستون^۲، ۲۰۱۲: ۵۳). و همانگونه که ایالات متحده آمریکا در جنگ‌های عراق و افغانستان اعلام کرد، این مسئله در خصوص روبات نظامی، اعم از روبات جستجوگر یا روبات پزشکی که در جهت نجات جان نظامیان اقدام می‌کنند، مطرح نمی‌شود.^۳

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^۴ به عنوان حافظ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و عهده‌دار تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پیامدهای بشردوستانه ابزار و روش‌های نوین جنگی را در دستور کار کارشناسان خود قرار داده است و این موضوع اولین بار در سال ۲۰۱۱ م مورد توجه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قرار گرفت.^۵ کمیته مذکور در مارس ۲۰۱۴ نشست را با حضور ۲۱ دولت و ۱۳ کارشناس مستقل، در چارچوب کنوانسیون تسلیحات متعارف^۶ در شهر ژنو با هدف بررسی و تبادل نظر پیرامون تسلیحات کاملاً خود یا تمام اتوماتیک برگزار کرد.^۷ در این نشست، نگرانی‌های حاصل از این قبیل تسلیحات بررسی و بر لزوم قاعده‌مندسازی آنها تاکید شد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از تمامی دولت‌ها می‌خواهد تا پیامدها و مطابقت یا عدم مطابقت تسلیحات خودکار با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بررسی کنند و به این پرسش پاسخ دهند که آیا کاربرد چنین تسلیحاتی با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابقت دارد؟^۸ متعاقب آن، دیدبان

1 Lethal Autonomous Robots or Killer Robots

2. Alston

3. Office of the Secretary of Defense, Department of Defense, FY 2009–2034 Unmanned Systems Integrated Roadmap, 6 April 2009, Annex H, pp. 39-40.

4. International Committee of the Red Cross

5. ICRC, The Challenges Raised By Increasingly Autonomous Weapons, (24 June 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/statement/2014/24-06-challenges-autonomous-weapons.htm> (24 June 2014)

6. CCW: Convention on Conventional Weapons

7. ICRC, Autonomous Weapons: ICRC Addresses Meeting of Experts. (13 May 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/document/2014/05-13-autonomous-weapons-statement.htm> (14 October 2014)

8. ICRC, Autonomous Weapons: What Role For Humans?, (12 May 2014), available on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/news-release/2014-12-autonomous-weapons-ihl.htm>, (14 October 2014)

حقوق بشر در گزارش سال ۲۰۱۲ خود^۱ اعلام کرد که روایات خودفرمان علاوه بر اینکه نمی‌تواند منطبق با استانداردهای حقوقی عمل کند، ناامنی‌هایی را برای افراد غیرنظامی فراهم می‌آورد (اشمیت^۲، ۲۰۱۳: ۲). البته، موضوع خلاء معاهداتی و قاعده‌ای در مورد تسلیحات نوین جنگی با چاشنی نیم‌نگاهی به شرط مارتنس و تعمیم آن به این گونه تسلیحات (به‌خصوص در یک دهه اخیر)، جزء موضوعات بسیار مهم مطرح‌شده در دیدبان حقوق بشر بوده، به طوری که خانم بونیه دوچرتی^۳، عضو دیدبان حقوق بشر، در آخرین نشست شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۹ اظهار داشت: «با عنایت به اینکه تاکنون قاعده‌ای در خصوص استفاده از اینگونه تسلیحات خودکار مرگبار وجود نیامده، پیشنهاد استفاده از اصول مندرج در شرط مارتنس (یعنی اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی به عنوان باور به اعتقاد حقوقی) را به جهت قاعده‌سازی به دولت‌ها داد که این موضوع با استقبال گسترده‌ای روبرو شد و بنا شد تا این موضوع یا به صورت شناسایی، قاعده‌گذاری و تدوین در قوانین داخلی پیش‌بینی و اقدام گردد یا به صورت معاهده‌ای دو یا چندجانبه لازم‌الاجرا پیشنهاد و مطرح گردد.»^۴

قواعد حاکم بر تسلیحات خودکار نظامی از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه

تعهدات حقوق بشردوستانه دو ویژگی متمایز از سایر تعهدات بین‌المللی دارند. نقض تعهدات بشردوستانه، زیان‌دیده را محق به توسل به «اقدامات متقابل»^۵ نمی‌کند.^۶ همچنین، مطابق تفسیر صلیب سرخ از ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، تعهد تضمین رعایت حقوق بشردوستانه نه فقط بر دوش طرف‌های درگیر مخاصمه است، بلکه همه دولت‌ها مکلف‌اند هر آنچه در توان دارند، به کار بندند تا احترام به حقوق بین‌الملل بشردوستانه به گونه‌ای جهانشمول تضمین شود.^۷ روایات نظامی باید مطابق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه اقدام کند و اگر چنین قابلیت نداشته باشد، استفاده از آن در مخاصمات مسلحانه، جنایت جنگی محسوب خواهد شد. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در قضیه مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای تصریح کرد که اگر نتوان در به‌کارگیری یک سلاح، الزامات حقوق بشردوستانه بین‌المللی را رعایت کرد، کاربرد آن سلاح مغایر با حقوق خواهد بود (ممتاز و رنجبریان،

1. Human Rights Watch, "Losing Humanity: The Case against Killer Robots", Nov. 2012.

2. Schmitt

3. Bonie docherti

۴. برای مطالعه بیشتر

<https://www.hrw.org/news/2018/08/21/killer-robots-fail-key-moral-legal-test>

5. Countermeasures

6. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 50.

۷. قطعنامه ۶۸۱ شورای امنیت ملل متحد در سال ۱۹۹۰ بر تفسیر مزبور تأکید کرد. امیرحسین رنجبریان و رضوان باقرزاده؛ «بنیان

اجرای حقوق بشردوستانه تعهد دولتها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه»، مجله پژوهش حقوق عمومی، سال

شانزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۳۱-۱۳۰. این قطعنامه به استناد ماده ۱ مشترک، دول طرف کنوانسیون چهارم ژنو را

به تضمین رعایت تعهدات اسرائیل فرامی‌خواند (A/RES/32/90, 1977).



۱۵۴:۱۳۸۷)؛ حتی اگر دولت استفاده کننده از سلاح، کنوانسیون‌های حاوی این قواعد را تصویب نکرده باشد، چون این قواعد اصول غیرقابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی هستند.^۱ لازم به ذکر است که لزوم رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات‌ها، زمانی که آنها در مقابل روبات دیگر مبارزه می‌کنند، مطرح نمی‌شود؛ چون قواعد حقوق بشردوستانه اساساً دو هدف بنیادین حمایت از غیرنظامیان در مقابل آثار مخاصمات مسلحانه و حمایت از رزمندگان در خصوص رنج ظالمانه و غیرضروری را دنبال می‌کنند. در حال حاضر، در حقوق بین‌الملل، هیچ نوع قاعده یا رژیم‌ی مخصص تولید و کاربرد تسلیحات کاملاً خودکار وجود ندارد و تنها قواعد کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر هدایت مخاصمات و نحوه صحیح جنگیدن شامل: ۱- اصل حمایت از قربانیان، ۲- اصل محدودیت کنشگران، ۳- اصل تفکیک، ۴- اصل منع درد و رنج بیهوده، ۵- اصل تناسب، ۶- اصل ضرورت نظامی و مواردی دیگر همچون اصل احتیاط، اصل شأن انسانی و شرط مارتنس اعمال می‌شود. برای اظهارنظر در مورد قانونی بودن استفاده از تسلیحاتی که در خصوص آنها منع صریحی در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای یا عرفی وجود ندارد، باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه کرد. این اصول و قواعد بیانگر آن معیارهای کلی‌ای هستند که طرف‌های هر مخاصمه باید هنگام تصمیم‌گیری راجع به اینکه آیا استفاده از یک سلاح یا ابزار جنگی خاص مجاز است یا خیر، آن‌ها را در نظر بگیرند (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳:۱۰۱). بنابراین، در خصوص استفاده از تسلیحات در مخاصمات مسلحانه یا منع تصریح، اعم از معاهده‌ای یا عرفی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، وجود ندارد و استفاده از آن‌ها به موجب معاهدات خاص ممنوع یا محدود شده است؛ که البته، برای ارزیابی قانونی بودن استفاده از سلاح‌های دسته اول، باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه کرد. بدیهی است که در مورد دسته دوم، هرگاه دولت‌های متخاصم طرف معاهده حاوی منع کاربرد سلاح مورد نظر باشند، باید به آن معاهده و در غیر این صورت، به حقوق بین‌الملل عرفی رجوع شود. در صورتی که در این منبع حقوق بین‌الملل فاقد قاعده‌ای در مورد ممنوعیت استفاده از آن سلاح باشد، به اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه خواهد شد (ممتاز و شایگان، منبع پیشین: ۱۰۰). همانطور که در قسمت قبل اشاره گردید، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود راجع به قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، دو اصل اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در این زمینه مورد شناسایی قرار می‌دهد: اصل تفکیک بین غیرنظامیان و رزمندگان و اصل رنج بیهوده یا غیرضروری.^۲ دیوان به اصل ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها و

1. Legality of Threat or Use of nuclear weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996, I.C.J. paras. 78, 79. 2ICJ, Report 1996 .para,78

وسایلی که مرگ نفرات دشمن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد^۱، اشاره نمی‌کند. به نظر می‌رسد دیوان این اصل را نه یک اصل مستقل، بلکه باید از فروع اصل ممنوعیت ایجاد رنج غیرضروری و صدمه بیش از حد تلقی کرد.^۲ به همین دلیل، دیوان آن را به عنوان اصل سوم حاکم بر استفاده از سلاح در مخاصمات مسلحانه ذکر نکرده است. دیوان، علاوه بر این دو اصل عمده، شرط مارتنس را نیز ذکر می‌کند. اصول یادشده نشان می‌دهند که دولت‌ها در انتخاب سلاح‌هایی که به کار می‌برند، آزادی نامحدود ندارند. ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی به صراحت اعلام می‌کند که «حق طرف‌های مخاصمه برای انتخاب روش‌ها و وسایل جنگی نامحدود نیست». بطور کلی، در خصوص بحث حاضر که مربوط به تحدید استفاده از تسلیحات مرگبار خودکار می‌باشد، در مورد موضوع حمایت از غیرنظامیان در برابر عملیات نظامی، دو اصل بسیار مهم و اساسی مورد بحث قرار می‌گیرد: الف) اصل تفکیک که در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی و به نحوی در ماده ۱۳ پروتکل دوم منعکس شده است؛ متخاصمان باید میان اهداف نظامی و غیرنظامی، اعم از اموال و افراد نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند. این اصل اقتضاء دارد که حملات فقط متوجه اهداف نظامی شوند، بدون وارد کردن صدمات جانبی نامتناسب به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی.^۳ دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مجدداً همین موضوع را به صراحت بیان داشت: «دولت‌ها هرگز نباید غیرنظامیان را هدف قرار دهند و در نتیجه، هرگز نباید سلاح‌هایی را مورد استفاده قرار دهند که قادر به تفکیک میان اهداف غیرنظامی و نظامی نیستند.» برخی از سلاح‌های خودکار مرگبار به واقع ذاتاً قادر به تفکیک میان اهداف غیرنظامی و نظامی نبوده و از این رو، استفاده از آن‌ها غیرقانونی و نامشروع است. طبق قاعده ۷۱ از قواعدی که بر اساس مطالعه کمیته بین‌الملل بشردوستانه عرفی شناخته شده‌اند: «استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیتشان بدون تفکیک عمل می‌کنند، ممنوع است» (هنکارتز و دوسوالد بک^۴، ۲۰۰۵: ۳۷۴). سلاحی که فی‌نفسه غیرقانونی

۱. منظور از سلاحی که مرگ نفرات دشمن را اجتناب‌ناپذیر خواهد ساخت، سلاحی است که هیچ امکانی برای زنده ماندن افرادی که در شعاع معینی از محل برخورد یا به کارگیری این سلاح قرار دارند، باقی نمی‌گذارد. علت ممنوعیت اینگونه سلاح‌ها آن است که مرگ نفرات دشمن فراتر از آن چیزی است که برای دستیابی به هدف مشروع جنگ، یعنی غلبه بر دشمن با ایجاد حداقل صدمه و رنج، ضروری است. در نتیجه، مبنای منع استفاده از آن را می‌توان در اصل ضرورت نیز یافت. نک:

R.Kolb and R.Hyde, An Introduction to the International Law of Armed Conflicts, Oxford/Portland Oregon:Hart Publishing, 2008, pp153-155.

۲. بر طبق این اصل، «ایجاد رنج غیرضروری برای رزمندگان ممنوع است. بنابراین، استفاده از سلاح‌هایی که سبب این گونه صدمه یا تشدید بی‌فایده رنج آن‌ها می‌گردد، ممنوع است» cit.loc, ICJ حتی در مواردی که کشتن دشمن در نبرد در پاره‌ای شرایط مجاز شمرده می‌شود، این به معنای کشتن با هر وسیله و یا هرگونه بی‌رحمی نیست. نک:

R.Kolb and R.Hyde, op, cit., p153.

۳ نگاه کنید:

I.J. MacLeod and A. P.V. Regers, "The Use of White Phosphorus and the Law of War" YIHL, 2007, Vol, 10, p.85.

4. Henckaerts & Doswald-Beck



محسوب می‌شود، از نظر رزالین هینگنز^۱ سلاحی است که «قادر نباشد فقط یک هدف نظامی را نشانه بگیرد، هر چند صدمات جانبی هم به بار آید».^۲

بطور کلی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه به بیان اصول کلی در زمینه قانونی بودن یا نبودن سلاح‌ها و وسایل جنگی معین اکتفا نکرده است. این شاخه از حقوق بین‌الملل علاوه بر این، با اتکا به همان اصول، به طور خاص ممنوعیت استفاده از برخی سلاح‌ها و وسایل جنگ را به موجب معاهدات مختلف اعلام نموده است و در آنجایی که برخی سلاح‌ها دارای قاعده معاهداتی نباشند، بواسطه اصول مندرج در شرط مارتنس محدود شده‌اند. مهم‌ترین تسلیحات ممنوعه، اعم از سلاح‌های متعارف و سلاح‌های انهدام جمعی عبارتند از: گلوله انفجاری، گلوله‌هایی که در بدن انسان باز و گسترده می‌شوند، سم و سلاح‌های سمی، سلاح بیولوژیکی و باکتریولوژیکی، سلاح‌های شیمیایی، تله‌های انفجاری، سلاح‌هایی که با اجزاء یا تکه‌های غیرقابل تشخیص (به وسیله اشعه ایکس) به بدن انسان صدمه وارد می‌کنند، سلاح‌های لیزری کورکننده و سلاح‌های خوشه‌ای که مسأله مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از آن‌ها طی چند دهه مورد بحث و مجادله بوده است. ارزش والای حیات انسان ایجاب می‌کند که یک میزان حداقلی از «رابطه درون‌فردی»^۳ میان رزمندگان دو طرف متخاصم وجود داشته باشد و هنگامی که تسلیحات خودکار یا ربات در مقابل انسان می‌جنگد، هرگز نمی‌توان چنین رابطه‌ای را تصور کرد (اسپارو^۴، ۲۰۰۰: ۶۸). بنابراین، در کشتن انسان به وسیله ماشین، شأن انسان کشته شدنش، نادیده گرفته می‌شود.^۵

همچنین، حتی زمانی که رزمنده مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه مجاز به کشتن رزمنده دشمن است، همواره بر اساس بررسی کاملاً شخصی و بر اساس وجدان انسانی‌اش تصمیم می‌گیرد و این قدرت تصمیم‌گیری و حس نوع‌دوستی که سبب و انگیزه ارتکاب عمل انسان می‌شود، در روبات‌ها قابل تصور نیست و آن‌ها نمی‌توانند ارزش واقعی زندگی و جان انسان را درک کنند و با وجود محدودیت‌هایی که امروزه در عرصه هوش مصنوعی وجود دارد، بسیار بعید است که روبات‌ها در آینده نزدیک بتوانند قابلیت‌های اخلاقی^۶ را کسب کنند.

1. Rosalind Higgins

2. Dinstein Opinion of Judge Higgins, ICJ, Rep. 1996, pp. 588-589.

3. Boothby, William H. Conflict Law: The Influence of New Weapons Technology, Springer-Verlag Berlin Heidelberg, 2014, p. 110.

به نقل از منبع پیشین

4. Sparrow

5. Roff, Heather M. "The Strategic Robot Problem: Lethal Autonomous Weapons in War," Journal of Military Ethics, 2014, vol. 13, No. 3, p. 214.

به نقل از منبع پیشین

۶ حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شدت متأثر از مبانی اخلاقی است و اصل لزوم رفتار انسانی به عنوان بارزترین جلوه اخلاق در این حوزه، علاوه بر رزمندگان، در خصوص مجروحان، بیماران، اسرای جنگی، جاسوسان، خرابکاران و افراد مظنون به ارتکاب اقدامات خصمانه علیه دولت اشغالگر نیز لازم‌الرعايه است. وحید بذآر، «جایگاه اخلاق در حقوق بین‌الملل»؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۳)، تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۷۲.

نقش شرط مارتنس در ایجاد تحدید در خصوص تسلیحات خودکار

همانطور که پیش‌تر هم بیان گردید، شرط مارتنس در مواردی که رزمندگان و غیررزمندگان تحت پوشش حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاهده‌ای یا عرفی قرار نمی‌گیرند، تحت حمایت دو اصل مندرج در شرط، یعنی اصول انسانیت و احکام وجدان جمعی، باقی خواهند ماند. به این ترتیب، کارکرد شرط مارتنس ممانعت از آن است که هر آنچه صریحاً به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه منع نشده است، مجاز شمرده شود (ممتاز و رنجبریان، منبع پیشین: ۱۰۱ و ۱۰۴). به این سبب که از شرط مارتنس غالباً برای تکمیل سایر استدلال‌های حقوقی استفاده می‌شود، استدلال‌های محکمی در خصوص ممنوعیت استفاده از تسلیحات خودکار با توسل به شرط مارتنس ارائه نشده است (ساعد، ۱۳۸۷: ۹۵). با این حال، دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرد که شرط مارتنس به عنوان ابزار مؤثر در پرداختن به رشد سریع فناوری نظامی قابل استفاده است.^۱ حال، به منظور ایجاد یک نظام جدید در حقوق بشردوستانه در خصوص اینگونه تسلیحات نیازمند ایجاد و تشریک مساعی تمام دولت‌ها و ارکان حقوق بشری است که حداقل استانداردهای لازم جهت استفاده از اینگونه تسلیحات را رعایت کنند، چرا که اصول مندرج در شرط مارتنس، اصولی است لازم‌الرعایه و در زمره قواعد آمره، قواعد عرفی و محسوب می‌گردد؛ ولی صرف رعایت این اصول به نظر کفایت نمی‌کند و این اصول تا به یک نظام قاعده‌مند در حقوق داخلی و بین‌المللی نرسد، این موضوع کماکان در هاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند. در واقع، بر اساس یک اصل بنیادین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حق طرف‌های متخاصم در انتخاب شیوه‌ها و ابزارهای جنگی نامحدود نیست و استفاده از سلاح یا روش جنگی که در مغایرت با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، مجاز نیست. پروتکل اول، منضم به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو در این خصوص اشعار می‌دارد که: «طرف‌های این پروتکل باید پیش از کاربرد اسلحه، ابزار یا شیوه جنگی، بررسی کنند که آیا استفاده از آن بر طبق این پروتکل یا سایر قواعد حقوق بین‌الملل امکانپذیر است یا خیر».^۲

بحث و نتیجه‌گیری

بدون شک، «شرط مارتنس» و آثار آن در زمینه حقوق بشردوستانه بطور خاص ماده ۳ مشترک و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ به عنوان نمادی عینی از رشد و توسعه مفاهیم انسانی در حقوق بشر بطور کلی و بخصوص در حقوق بشردوستانه به حساب می‌آید و حقیقتاً، به زعم دکتترین اشاره‌شده، تحولی نوین در نحوه شکل‌گیری و شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را سبب شده است (زرنشان، ۱۳۹۷: ۳۳۴). اصولی که از آن به عنوان اصل انسانیت و اصل احکام وجدان

1. Legality of Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996, I.C.J. para. 78.

2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflict (Protocol I), of 8 June 1977, art. 36.



جمعی در اعلامیه مارتنس یاد شده است، امروزه به عنوان سازوکاری برای خلق قاعده عرفی جدید و چراغ هدایت، ساختار نظام حقوق بشر و بخشی از اعتقاد عمومی مشترک جهانی را شکل می‌دهد که هیچ دولتی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.^۱ این اصول جزئی از ارزش‌های اساسی، بنیادین و مشترک جامعه جهانی‌اند و دولتی که به این ارزش‌ها بی‌توجه باشد یا باوری به وجود آنها نداشته باشد، بی‌شک نمی‌تواند جایگاهی در جامعه بین‌المللی امروز داشته باشد.^۲ با عنایت به موضوعات بیان‌شده، نگارندگان به این نتیجه می‌رسند که عرف مدرن با وجود تمام نقاط مثبت و انتقاداتی که در مورد آن مطرح است، حقیقتاً از مبانی مستحکمی چه در نظام بین‌المللی و چه در حقوق داخلی برخوردار است؛ بخصوص در موارد فقدان قاعده مشخص، به‌ویژه در مورد موضوع مورد بحث حاضر که مرتبط با چالش خلاً معاهداتی در مورد استفاده از تسلیحات مرگبار خودکار است، می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد.^۳ به منظور قاعده‌سازی نسبت به تسلیحات نوین جنگی در عرصه داخلی و بین‌المللی، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد: نخست آنکه بر اساس ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، دولت‌ها را موظف به سنجش و مطابقت ابزارهای جنگی قبل و بعد از تولید با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نموده است و همچنین، در این راستا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز از دولت‌ها می‌خواهد تا پیش از حتی تولید یک سلاح، انطباق و سازگاری آن را با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بسنجد. پیش‌بینی‌پذیری، قابل اطمینان بودن، اعمال نظارت و کنترل انسانی بر تسلیحات خودکار و در اختیار داشتن اطلاعات دقیق از عملکرد و رفتار سلاح، از جمله معیارهایی است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از دولت‌ها می‌خواهد تا مدنظر قرار دهند. جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند با تشکیل یک کارگروه متشکل از صاحب‌نظران حقوقی-دفاعی، سیاسی و نظامی بصورت لایحه توسط دولت و یا طرح توسط مجلس شورای اسلامی، با ایجاد ضوابط، قواعد، دستورالعمل و قوانینی در سطح کشور با هدف بررسی مشروعیت تسلیحات نوین از مرحله طراحی سلاح گرفته تا مرحله تولید و به کارگیری آن، از احتمال ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت و مسئولیت کیفری فردی ناشی از کاربرد تسلیحات مغایر با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه جلوگیری کنند. دست آخر اینکه ممنوعیت یا قاعده‌مندسازی ابزار و روش‌های نوین جنگی تحت معاهدات چندجانبه خلع سلاح و کنترل تسلیحات می‌تواند به نگرانی‌ها در خصوص کاربرد ابزار و روش‌های نوین جنگی پایان

1 Weeramantry: ۴۹۰ ICJ Reports Dissenting Opinion of Judge, ۱۹۹۶.

2 Millennium Declaration, United Nations, A/55/L.2, 2000. Coupland, Robin, Humanity: What is it and how does it Influence International Law? 83 International Review of the Red Cross (IRRC), 2001.

۳. نمونه ر.ک:

- ✓Case concerning Legality of the Threat or Use of nuclear weapons, ICJ Reports, 1996., Dissenting Opinion of Judge Shahabuddeen, pp.396, 406.
- ✓Case concerning Legality of the Threat or Use of nuclear weapons, op. cit., Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, p.486.

دهد؛ که در این راستا لازم است جامعه بین‌المللی با همکاری ارکان سازمان ملل متحد و کمیته صلیب سرخ و با در دستور کار قرارداد انبساط و ابزار و روش‌های نوین جنگی، از طریق انعقاد معاهدات چندجانبه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در راستای ایجاد رژیم‌های حقوقی به منظور قاعده‌مندسازی و با هدف کسب اطمینان از مطابقت عملکرد این تسلیحات با اصول حقوق بشردوستانه اقدام نمایند.



منابع

- بیگ زاده، ابراهیم؛ تاور، اسماعیل. (۱۳۹۶). سهم دیوان بین‌المللی دادگستری در تجلی مفهوم بشریت. تهران، حقوقی بین‌المللی، (۳۴) ۵۷، ۲۹-۷.
- پیری، حیدر. (۱۴۰۲). شرط زیست‌محیطی مارتنس و حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر اصول پیش‌نویس ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل. تحقیقات حقوقی، ۲۶(۱۰۲)، ۳۴۹-۳۷۳.
- حسینی، محمد و راعی دهقی، مسعود. (۱۳۹۵). معناشناسی وجدان انسانی در اسناد بین‌المللی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۲)، ۴۶۳-۴۴۱.
- دهقانی، پریسا. (۱۴۰۰). مدخل‌های ورود و کارکردهای شرط مارتنس در حقوق کیفری بین‌المللی، تهران، مجله پژوهش حقوق کیفری، ۹(۳۵)، ۲۳۷-۲۰۳.
- رنجریان، امیرحسین و بذار، وحید. (۱۳۹۷). رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی روبات نظامی خودفرمان و مسئولیت ناشی از اقدامات آنها. حقوقی بین‌المللی، (۵۹)، ۸۴-۶۳.
- زرنشان، شهرام (۱۳۹۷). نسبت میان شرط مارتنس و حقوق بشر در نظم حقوقی بین‌المللی جدید، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۸(۲)، ۳۳۸-۳۱۹.
- شهبازی، آرامش. (۱۳۸۹). نظام حقوق بین‌الملل، وحدت در عین کثرت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- شرفی طراز کوهی، حسین و صیادنژاد، محمد حسین. (۱۳۹۹). اعمال اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر تسلیحات کاملاً خودکار به عنوان ابزار نوین جنگی. مطالعات حقوق عمومی، ۵۰(۲)، ۵۷۵-۵۵۱.
- طرحی، مهرا. (۱۳۹۸). امکان یا امتناع اعمال شرط مارتنس در حقوق بشردوستانه معاصر، تهران، نشریه داخلی مرکز مطالعات حقوق بین‌الملل مدرن.
- فلسفی، هدایت اله. (۱۳۸۷). رویارویی عقل و واقعیت: مسأله منابع، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره سوم.

- Book

- Alston, Philip. "Lethal Robotic Technologies: The Implications for Human Rights and International Humanitarian Law," JILS Special Edition, 2012, vol. 21(2), p. 51.
- Atadjanov, Rustam. (2019). "Humanness as a Protected Legal Interest of Crimes Against Humanity: Conceptual and Normative Aspect", Springer, International Criminal Justice Series, Vol. 22.
- Gneiss, R. (October 2015). *The international-law dimension of autonomous weapons systems*, Firebrick Ebert Sifting.
- Meron, Theodor, (2000). "The Martens Clause, Principle of Humanity and Dictates of Public Conscience", *The American Journal of International Law*, Vol. 94, No. 1, p 82.
- Meron, Theodor,(1989). *Human Rights and Humanitarian Norms as Customary Law*, Oxford University Press.
- Nasu, Hitoshi & Robert Mclaughlin (2014). *New Thechnologies and the Law of Armed Conflict*, the Netherlands, Asser Press (ebook).
- Ticehurst, Rupert, (1997). "The Martens Clause and the Laws of Armed Conflict", 317 IRRC125.

-Tomuschat, C, (1993). *Obligation Arising for States Without or Against Their Will*, 241 Res Cours.

Article

-Carafano, James Jay. 2014, "Autonomous Military Technology-Opportunities and Challenges for Policy and Law", Backgrounder No. 2932 on National Security and Defense, Heritage Foundation.

A, Cassesentonio, ,sky? the in Pie Simply or Loaf a Half :Clause Martens The , Law international of Journal European II.Vol , ۱,۲۰۰۰.No ,.

-Millennium Declaration, United Nations, A/55/L.2, 2000. Coupland, Robin, *Humanity: What is it and How does it Influence International Law?*, 83 International Review of the Red Cross (IRRC), 2001.

-Schmitt, Michael N. "Autonomous Weapon Systems and International Humanitarian Law: A Reply to the Critics", *Harvard National Security Journal Feature*, 2013, p. 2.

-Sparrow, Robert. 2011, "Robotic Weapons and the Future of War", *New Wars and New Soldiers: Military Ethics in the Contemporary World*-edited by Jessica Wolfendale and Paolo Tripodi, Ashgate Publishing Company.

-Treder, Mike, (26 March 2009), "Robotic War Appears Inevitable", available

Case

-A/HRC/23/47 Human Rights Council, twenty-third session agenda item 3, promotion and protection of all human rights, civil, political, economic, social and cultural rights, including the right to development, report of the special rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Hens, 9 April 2013.

-Case concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, ICJ Reports, 1996., Dissenting

-Case concerning Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, op. cit., Dissenting Opinion of

Corfu Channel case (UK v. Avbania), Merits, 1949, ICJ Rep 4,22 .

Human Rights Watch, "Losing Humanity: The Case against Killer Robots", Nov. 2012.

-ICRC, meeting of Experts on Lethal Autonomous Weapons Systems (LAWS), 11-15 April 2016, Geneva

-ICRC, The Challenges Raised By Increasingly Autonomous Weapons, (24 June 2014), available

-Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 1996 ICJ Rep 226 (July 8).

-Military and Paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. U.S), Merits, 1985 ICJ Rep. 14,113-114, para 218.

-Prosecutor v. Furundzija, Judgment, No. IT-95-17/I-T, para 137 (December, 10, 1998).

-Prosecutor v. Martić, Review of the indictment Pursuant to Rule 61, No. IT-95-11-R61, para 13, (March, 13, 1996).

-Reports of the Secretary General of The United Nation pursuant to paragraph 2 of Security Council resolution 808, (1993), para. 48, n 9, UN Doc. S/25704 (1993).

See: ICRC 2014 Meeting of Experts on Lethal Autonomous Weapons Systems

-UN General Assembly, Res. 96(1), 1946.

-UN General Assembly, Res.217 A (III), 1948.



-UN International Conference on Human Rights, Tehran, Iran, 1968

Convention

- Convention on Cluster Munitions, 2008.
- Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively
- Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes Against Humanity, 26 November ۱۹۶۸.
- Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on their Destruction, 1997.
- Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, Geneva, 1949, Art. 63(4).
- Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, 1949, 75 UNTS 8, Art. 62
- ICRC, Autonomous Weapons: What Role For Humans?, (12 May 2014), available on:
<https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/news-release/2014-12-autonomous-weapons-ihl.htm>, (14 October 2014
- Injurious or to Have Indiscriminate Effects, 1980.
- International Committee of the Red Cross (ICRC) on autonomous weapon system, 11 April 2016 Judge Weeramantry, p.486.
 on National Security and Defense, Heritage Foundation, 2014.
- Protocol for the Prohibition of the Use of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare. Geneva, 1925.

Pronouncement

- Dissenting opinion of Judge Shahabuddeen, Nuclear Weapons, ICJ Reports Dissenting Opinion of Judge ۱۹۹۶.
- Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, Nuclear Weapons, ICJ Reports Dissenting Opinion of Judge ۱۹۹۶.
- Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, 1949, Art. 158.
- Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War, 1949, Art. 142.
- Hague Convention (IV) Respecting the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 1907, Preamble.

Website

- <https://qavanin.ir/Law/TreeText/96913>
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47392>
- <https://www.hrw.org/news/2018/08/21/killer-robots-fail-key-moral-legal-test>
- ICRC. Autonomous Weapons: ICRC Addresses Meeting of Experts. (13 May 2014), available On:
<https://www.icrc.org/en/doc/resources/document/2014/05-13-autonomous-weapons-statement.htm>. (14 October 2014)
- on: <https://www.icrc.org/en/doc/resources/documents/statement/2014/24-06-challenges-autonomous-weapons.htm> (24 June 2014).
- online: <<http://ieet.org/index.php/IEET/more/treder20090327>>, (3 February 2014).
- Opening Statement of the Prosecution in the Einsatzgruppen Trial (September 29, 1947), Accessed May 08, 2019